

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ مارچ ۲۰۲۱

بازی جدید با بازی کنان قبلی!

۲

پنجشنبه- ۱۴ حوت ۱۳۹۹ - کابل:

۶ - طرحی را که "خلیلزاد" جدیداً از طرف اداره "بایدن" برای رسیدن به صلح در افغانستان مطرح می سازد، با آن که محتوای آن تاحال افشاء نشده و صرف در مورد خطوط کلی آن به صورت پراکنده صحبت می شود، برای طالب از چند جهت حایز اهمیت بوده، تصمیم گیری در موردش برای شان، کار ساده ای نیست. طرح در کل نظر به مواضع طالب، پیامهای متناقضی را با خود حمل می نماید. زیرا:

*- با آن که تلاش صورت می گیرد تا رسانه ها و ایادی وابسته به امریکا و قسماً دولت دست نشانده جهت خام ساختن و به نحوی فریب طالب، طرح جدید را ادامه موافقتنامه دوحه تبلیغ نمایند، مگر واقعیت امر آن است که این طرح به خصوص آنجائی که می باید هیأت ها مرکب از افراد با صلاحیت و دست اول باشد و مذاکرات تحت رهبری ملل متحد صورت گیرد، چه کسی بخواهد و چه هم نخواهد به معنای گذاشتن نقطه پایان بر مؤثریت موافقتنامه دوحه می باشد.

*- زمزمه های بد عهدی و عدم مراعات موافقتنامه از جانب طالب از هر دهنی و خروج نیروهای خارجی را به آتش بس گره زدن، خود بیانگر آن است که امریکا نه تنها در آخر اپریل افغانستان را ترک نمی نماید بلکه احتمال تقویت و تزئید نفرات آن نیز منتفی نمی باشد. یعنی تصمیمی را که دولت المان علی رغم مواد موافقتنامه دوحه، رسماً اعلام داشت که نه تنها افغانستان را در وقت معین در موافقتنامه ترک نمی نماید، بلکه بر تعداد آنها می افزاید.

*- این موضوع یعنی قرار دادن طالب در دو راهی انتخاب صلح و یا جنگ. هرگاه بپذیرد که نیروهای اشغالگر بعد از آخر اپریل باز هم در افغانستان بمانند گذشته از این که بر تاریخ و ادعای خود که گویا علیه تجاوز و حضور قوای اشغالگر در افغانستان مبارزه و جهاد می کرد می شاشد، بلکه هزاران تن از هوادارانش را نیز از دست خواهد داد، هرگاه بر خروج آنها تأکید و جهت حفظ آبرو و حیثیت کذائی که طی این مدت برایش ساخته شده است، بر خروج اصرار ورزیده، حل قضیه را به تفنگ بسپارد، در آنصورت واضح است که نه از موافقتنامه دوحه اثری می ماند و نه هم دیگر رسیدن به تاج و تخت کابل برای شان مقدور خواهد ماند.

*- به همان اندازه که امضای موافقتنامه دوحه برای طالب اهمیت داشته و دارد می توان نوشت به همان اندازه و چه بسا بیشتر از آن قید "نظام اسلامی" بعد از حاکمیت کنونی، دارای اهمیت می باشد. نکته ای که ادع می شود با تشکیل حکمت مشارکتی ائتلافی دیگر قابل بحث باقی نمی ماند.

و اما این طرح در چند نکته می تواند مؤید و به طرفداری از طالب تعبیر شود از جمله:

*- پذیرش یکی از پیشنهادات طالب به صورت غیر مستقیم مبنی بر کنار گذاشتن و طرد "غنی احمدزی" از قدرت،

*- شریک ساختن طالب در قدرت زیر نام حکومت انتقالی مشارکتی،

اینجاست که طالب بعد از آنهمه خوشحالی و خود را در یک قدمی قدرت انحصاری دیدن، ناگزیر است یا از آسمان تخیلات یک تازی به زمین واقعیت ها فرود آمده، نه تنها در موجودیت اشغالگران در حاکمیت شریک گردد، بلکه با حفظ تمام نهاد های امنیتی دولت دست نشانده و خلع سلاح نیروهای طالب از طریق ادغام آنها به نیروهای امنیتی دولت دست نشانده، به انگشت ششم همین حاکمیت مبدل نیز بگردد و یا این که بر مواضع خود پای فشرده، حکمیت بین خودش و اشغالگران و ابادی اش را به نفیر گلوله و صدای تفنگ بسپارد. تصمیمی بس دشوار و انتخابی حیاتی.

ادامه دارد